

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد اردبیل

پایان نامه کارشناسی ارشد (M.A.)

رشته حقوق (جزا و جرم شناسی)

موضوع

مطالعه تطبیقی تجدید نظرخواهی از آرای کیفری در ایران و انگلیس

استاد راهنما

دکتر گلناز مرادی پسند

نگارنده

عادل صفدر

۱۳۹۸

ب



**Islamic Azad University
Ardabil Ardabil**

**M.A. Thesis
Criminal Law and Criminology**

**Subject
Comparative study of Appeal of criminal
judgment In Iran and England**

**Supervisor:
Golnaz Moradi Pasand Ph.D**

**By:
Adel Safdar**

۲۰۱۹

ج

سپاسگزاری

با تشکر از استاد محترم

سرکار خانم دکتر گلناز مرادی پسند

که بدون راهنمایی های آنان انجام این تحقیق مقدور نبود.

تقدیم و تشکر

تقدیم به خانواده عزیزم که در همه مراحل زندگی همراه و پشتیبان من بوده اند.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده	۱
الف- مقدمه	۲
ب- بیان مساله تحقیق	۲
ج- پیشینه تحقیق	۴
د- اهداف تحقیق	۸
هـ - سوالات تحقیق	۹
و- فرضیه های تحقیق	۹
ز- روش شناسی تحقیق	۱۰

فصل اول: مبانی و مفاهیم تحقیق

۱-۱- اعتراض (تجدیدنظر)	۱۲
۱-۱-۱- مفهوم لغوی	۱۲
۱-۱-۲- مفهوم اصطلاحی	۱۲
۲-۱- رأی	۱۳
۳-۱- رأی قطعی	۱۴
۴-۱- اعتبار امر مختومه	۱۵
۵-۱- فراغ دادرسی	۱۵
۶-۱- مبانی تجدیدنظر	۱۶
۶-۱-۲- مبانی حقوقی تجدیدنظر	۱۷
۷-۱- ضرورت تجدید نظر	۱۸
۸-۱- محاسن و معایب تجدیدنظر	۱۹
۸-۱-۱- محاسن تجدیدنظر	۱۹
۸-۱-۲- معایب تجدیدنظر	۲۰
۹-۱- سابقه تقنینی اعاده دادرسی	۲۱
۱۰-۱- مقایسه اعاده دادرسی مدنی و کیفری	۲۳
۱۰-۱-۱- جهات اشتراک	۲۴

- ۱-۱۰-۲- جهات افتراق ۲۴
- ۱-۱۱-۱- مقایسه اعاده دادرسی کیفری با اقسام مشابه ۲۵
- ۱-۱۱-۱- مقایسه تجدیدنظر با اعاده دادرسی ۲۵
- ۲-۱۱-۱- مقایسه اعاده دادرسی با فرجام ۲۶
- ۳-۱۱-۱- مقایسه اعاده دادرسی کیفری با تجدیدنظر از شعب تشخیص ۲۷

فصل دوم: تجدید نظرخواهی از آرای کیفری در حقوق ایران

- ۱-۲- موضوع اعاده دادرسی کیفری ۳۰
- ۲-۲- خصائص و ویژگی های اعاده دادرسی ۳۳
- ۱-۲-۲- اعاده دادرسی استثنائی بر قاعده اعتبار امر مختوم و فراغ دادرسی ۳۳
- ۲-۲-۲- اعاده دادرسی مهلت ندارد ۳۳
- ۳-۲-۲- اعاده دادرسی قبل و بعد از اجرای حکم پذیرفته می شود ۳۴
- ۱-۳-۲-۲- زمانی که حکم اجرا نشده باشد ۳۴
- ۲-۳-۲-۲- زمانی که حکم در حال اجرا باشد ۳۵
- ۳-۳-۲-۲- زمانی که حکم اجرا شده باشد ۳۶
- ۴-۲-۲- اعاده دادرسی منجر به محکومیت برائت و یا تقلیل مجازات می شود ۳۷
- ۳-۲- موارد و چهارت اعاده دادرسی کیفری ۳۷
- ۱-۳-۲- ثبوت بقای شخص در زمان فرض وقوع قتل یا زنده بودن مقتول ۳۷
- ۲-۳-۲- محکومیت متعدد با وجود مرتکب واحد ۳۸
- ۳-۳-۲- تعارض تضاد احکام کیفری ۳۹
- ۴-۳-۲- ثبوت جعلیت اسناد و کذب شهادت شهود ۴۲
- ۱-۴-۳-۲- جعلی بودن اسناد ۴۲
- ۲-۴-۳-۲- خلاف واقع بودن شهادت شهود ۴۳
- ۵-۳-۲- حدوث واقعه یا ابراز دلایل جدید دال بر بیگناهی محکوم علیه ۴۴
- ۱-۵-۳-۲- حدوث واقعه جدید ۴۴
- ۲-۵-۳-۲- ابراز دلایل جدید ۴۵
- ۶-۳-۲- اشتباه قاضی در تناسب کیفر با جرم ۴۶
- ۷-۳-۲- تخفیف مجازات در قانون لاحق ۴۸

- ۲-۴- عدم اعمال اعاده دادرسی در جرائم غیر قابل گذشت ۵۱
- ۲-۵- متقاضیان اعاده دادرسی ۵۲
- ۲-۵-۱- محکوم علیه ۵۳
- ۲-۵-۲- جانشینان محکوم علیه ۵۴
- ۲-۵-۳- دادستان کل کشور ۵۷
- ۲-۵-۴- رئیس حوزه قضایی ۵۸
- ۲-۶- آیین و آثار اعاده دادرسی ۵۹
- ۲-۶-۱- آیین اعاده دادرسی ۵۹
- ۲-۶-۲- آثار اعاده دادرسی ۶۴
- ۲-۷- قطعی یا غیر قطعی بودن حکم اعاده دادرسی ۷۱
- ۲-۸- جبران خسارت مادی و معنوی ۷۳
- ۲-۹- تجدیدنظر احکام کیفری در آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) ۷۴
- ۲-۹-۱- دادگاه تجدیدنظر استان ۷۴
- ۲-۹-۲- ساختار دادگاه تجدید نظر استان ۷۴
- ۲-۹-۳- آرای قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان ۷۴
- ۲-۹-۴- کیفیت رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان ۷۵
- ۲-۹-۵- کیفیت رسیدگی و اتخاذ تصمیم دادگاه تجدید نظر استان ۷۶
- ۲-۹-۶- ترتیبات رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر استان با استلزام تعیین وقت و احضار ۷۶
- ۲-۹-۷- اجرای قرار معاینه محل و تحقیقات محلی (م ۴۵۲ ق.آ.د.ک) ۷۶
- ۲-۹-۸- لزوم حضور زندانی در دادگاه تجدیدنظر استان ۷۶
- ۲-۹-۹- امکان اخذ تامین در دادگاه تجدیدنظر استان (م ۴۵۶ ق.آ.د.ک) ۷۷
- ۲-۹-۱۰- تشدید مجازات توسط دادگاه تجدیدنظر استان (م ۴۵۸ ق.آ.د.ک) ۷۷
- ۲-۹-۱۱- تخفیف مجازات توسط دادگاه تجدیدنظر استان (م ۴۵۹ ق.آ.د.ک) ۷۷
- ۲-۹-۱۲- واخواهی از رای صادره در دادگاه تجدیدنظر استان (م ۵۶۱ ق.آ.د.ک) ۷۸

فصل سوم: تجدید نظرخواهی از آرای کیفری در حقوق انگلیس

- ۳-۱- ویژگی های تجدیدنظر احکام کیفری در قوانین انگلستان ۸۰
- ۳-۱-۱- اقدام برای تجدیدنظر خواهی ۸۰

- ۳-۱-۲- محکوم علیه و فرصت تجدیدنظرخواهی ۸۶
- ۳-۱-۳- حقوق مدعی خصوصی در رابطه با تجدیدنظرخواهی ۸۸
- ۳-۱-۴- مرجع تجدیدنظر در حقوق انگلیس و زمان مقرر جهت ارائه درخواست تجدیدنظر ۸۸
- ۳-۲- دیوان عالی و دادگاه عالی عدالت در حقوق انگلیس و نقش شکلی آنهادر تجدیدنظرخواهی ۸۹
- ۳-۳- تصمیمات دادگاه عالی عدالت در حقوق انگلیس در رابطه با تجدیدنظرخواهی ۹۱
- ۳-۳-۱- فرایند رسیدگی دادگاه عالی عدالت در حقوق انگلیس در رابطه با تجدیدنظرخواهی ۹۱
- ۳-۳-۲- تصمیمات دادگاه عالی عدالت در حقوق انگلیس در رابطه با تجدیدنظرخواهی ۹۱
- ۳-۳-۳- دادگاه جزا در حقوق انگلیس و نقش آن در تجدیدنظرخواهی از احکام کیفری ۹۲
- ۳-۳-۳-۱- دادگاه جزا در حقوق انگلیس و روند رسیدگی^۳ اش به تجدیدنظرخواهی ۹۲
- ۳-۳-۳-۲- دادگاه جزا در حقوق انگلیس و تصمیمات^۳ اش نسبت به تجدیدنظرخواهی ۹۳
- ۳-۴- نهادهای مرتبط با تجدیدنظر ماهوی در حقوق انگلیس ۹۴
- ۳-۴-۱- تجدیدنظر ماهوی در حقوق انگلیس و روند پرداخت به آن ۹۴
- ۳-۴-۲- تجدیدنظر ماهوی در حقوق انگلیس اعمال مرتبط با رسیدگی به احکام کیفری ۹۵
- نتیجه گیری ۱۰۲
- پیشنهادات تحقیق ۱۰۵
- منابع و ماخذ ۱۰۶
- چکیده انگلیسی ۱۱۰

چکیده

این تحقیق با موضوع «تطبیقی تجدید نظرخواهی از آرای کیفری در ایران و انگلیس» با هدف بررسی سیستم حقوق کیفری ایران و انگلستان و شرایط و ضوابط حاکم بر آنها در زمینه تجدیدنظرانجا یافته است. براساس آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) دادگاه تجدیدنظر استان مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از کلیه آرای غیر قطعی کیفری است مگر در مواردی که در صلاحیت دیوانعالی کشور باشد. در حقوق انگلیس نیز دادستان کل می تواند از حکم صادره، به لحاظ حسن اجرای قوانین و احترام به آن، بدون اینکه حقوق مکتسبه محکوم علیه به مخاطره افتد اعتراض نماید. و نیز در حقوق انگلیس، مدعی خصوصی حق هیچ گونه دخالتی، در دعوی کیفری را نداشته و ندارد. بلکه صرفاً می تواند دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم خود را در دادگاه کیفری مطرح نماید. این در حالی است که حقوق ایران، با به رسمیت شناختن مدعی خصوصی به عنوان یکی از اصحاب دعوی کیفری، نه تنها حق تجدیدنظر از حکم برائت را برای وی قائل گردیده است. بلکه تا آنجا پیش رفته است که حتی، مدعی خصوصی می تواند نسبت به حکم راجع به مجازات صادره و میزان و کمیت آن نیز، اعتراض نماید. در مطالعات تطبیقی یکی از تفاوت های مهم حقوق کیفری انگلیس و ایران، در زمینه تجدیدنظر احکام، مربوط به اثر تعلیقی تجدیدنظر می باشد. توضیح آنکه، در حقوق ایران تجدیدنظر از احکام واحد اثر تعلیقی است. بدین معنا که، اولاً تا انقضای مهلت تجدیدنظر، آراء قابل تجدیدنظر قابلیت اجرا ندارند و ثانیاً در صورتی که نسبت به رای صادره، تجدیدنظرخواهی گردد تا روشن نشدن نتیجه رسیدگی تجدیدنظر، نباید دستور اجرای رای را صادر نمود. این در حالی است که سیستم عدالت کیفری انگلیس، عنایت چندانی به اصل مزبور نداشته و به محض اینکه رسیدگی بدوی خاتمه یافت و حکم مقتضی صادر گردید، این حکم قابلیت اجرا پیدا خواهد کرد.

کلمات کلیدی: تجدیدنظرخواهی، آرای کیفری، آیین دادرسی کیفری، حقوق ایران، حقوق انگلستان.

الف - مقدمه

از نظر قانونی رسیدگی فرجامی عبارت از تشخیص انطباق یا عدم انطباق آراء مورد درخواست فرجامی با موازین شرعی و مقررات قانونی است. همان طور که از تعریف ارائه شده در قانون مشاهده می شود مرجع فرجام خواهی بررسی می کند آیا احکام صادره دادگاههای تالی با موازین شرع و قانون مطابقت دارد یا خیر که اگر داشت رأی را تأیید و ابرام و الا آن را نقض می کند و بدون اینکه وارد ماهیت پرونده شود، آن را برای رسیدگی مجدد به دادگاههای مذکور اعاده می کند. بدون وجود امر فرجام خواهی در قوانین ممکن است اشتباهات اولیه در صدور احکام کیفری با اشتباه همراه باشد و حقوق افراد ضایع گردد، از این رو وجود فرجام خواهی از اصول اولیه حقوق عدالت محور است. در نظامهای کیفری تجدید نظر خواهی دارای اهمیت ویژه ای است و پژوهش حقوق نیز در این زمینه می تواند در اصلاح قوانین و مقررات ارزش مهمی داشته باشد. در این پژوهش ها می توان از تجربیات سایر کشورهای موفق در زمینه تجدید نظر خواهی نیز استفاده کرد. بر این اساس در این تحقیق به مطالعه تطبیقی تجدید نظر خواهی از آرای کیفری در ایران و انگلیس پرداخته شده است.

ب - بیان مساله تحقیق

بی تردید بهترین و عادلانه ترین راه حل یک دعوی از مسیر یک دادرسی مناسب و عادلانه با لحاظ تضمینات لازم برای طرفین دعوی، در دادگاهی مستقل و بی طرف حاصل می گردد. اعتبار دستگاه قضایی و دادگستری و اعتماد طرفین دعوی و عموم، بستگی مستقیم به وجود یک دادرسی منصفانه برای حل و فصل دعاوی خواهد داشت. آیین دادرسی در دهه های اخیر با برخی تحولات بنیادین، حرکت به سمت ایجاد اصول و قواعد واحد و کلی آیین دادرسی را در کلیه دعاوی اعم از مدنی، کیفری و اداری آغاز نموده است. این تحول را می توان تحت تاثیر تحولات کلی در حقوق داخلی کشورها و حقوق بین الملل با زمینه های حقوق بشر دانست. در حوزه آیین دادرسی کیفری این اصلاحات عمدتاً ناظر به اصول حاکم بر آیین دادرسی و رعایت حقوق متهمان بوده است. امروزه حق اعتراض نسبت به آرای کیفری یکی از حقوق شناخته شده ملی و بین المللی برای محکوم علیه محسوب می شود، برای مثال میتوان به حق محاکمه عادلانه در ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی مطابق با

۱۳۴۵/۰۹/۲۵ شمسی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در شق ۵ ماده ۱۴ عنوان قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۳۵۴/۰۲/۱۷ آورده است: «هرکس مرتکب جرمی اعلام شود حق دارد که اعلام مجرمیت و محکومیت او بوسیله یک دادگاه عالیتری طبق قانون مورد رسیدگی واقع شود» و این حق به نوعی در مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز مورد تاکید قرار گرفته است. منصفانه بودن دادرسی، اصل تناظر، برابری سلاحها و حق دفاع برابر، ایجاب می نماید تا محکوم علیه در صورت شکست در جلسه دادرسی، این حق را داشته باشد که به حکم اصداری اعتراض نماید. ضمن اینکه مهمترین مبنای این حق، اصل رعایت حقوق دفاعی می باشد. اعتراض به معنی خرده گرفتن، انگشت بر حرف نهادن، ایراد گرفتن آمده است. (معین، ۱۳۸۸) حتی بهترین قضات، مانند سایر افراد بشری همواره در معرض اشتباه و لغزش می باشند در نتیجه باید تربیتی مقرر شود که رأی قاضی در جهت بازبینی بتواند مورد شکایت طرفی قرار گیرد که جزئاً یا کلاً علیه او صادر شده است، اما این امر نباید به گونه ای باشد که فصل خصومت را غیر ممکن نموده و رأی قاضی را به صورت یک «پیش نویس» درآورده که همواره از طرق مختلف و متنوع و به دفعات به در خواست اشخاص یا مقامات مختلف ممکن است مورد حکم و اصلاح قرار گیرد. (شمس، ۱۳۹۱) تجدیدنظر خواهی یکی از راههای اعتراض به احکام می باشد که براساس مقررات جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بخش چهارم از قانون مارالذکر، به بحث «اعتراض به آراء» اختصاص یافته که اعم از تجدیدنظر و فرجام خواهی می باشد. درخواست تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان و درخواست فرجام در دیوانعالی کشور مورد رسیدگی قرار می گیرد. (زراعت، ۱۳۹۴)

در نظام قضایی انگلستان نیز تجدیدنظر عبارت است از درخواست رسیدگی قضایی مجدد به رای دادگاه تالی به وسیله یک دادگاه عالی (meCleod, ۱۹۹۱) به عبارت دیگر؛ درخواست نقض، تغییر یا ابطال حکم یا قراری که به وسیله دادگاه تالی صادر شده از دادگاه عالی تر، به جهت اینکه رای اشتباهاً صادر شده یا به خاطر حفظ عدالت یا قانون. (halsburys law of England, ۱۹۸۲) در حال حاضر مراجع کیفری که صلاحیت رسیدگی بدوی به دعاوی کیفری را دارند عبارتند از: دادگاه صلح یا مجستریت، دادگاه جزا یا شاهی؛ دادگاه صلح به جرایم اختصاری و دووجهی رسیدگی می کند و تجدیدنظرخواهی از احکام صادره توسط این دادگاه در صلاحیت دادگاه جزا می باشد که مستند قانونی تجدیدنظر از احکام این دادگاه علاوه بر قوانین متفرعه مربوطه، قانون دادگاههای صلح ۱۹۸۰ و همچنین قانون دادگاههای عالی مصوب ۱۹۸۱ (اصلاح شده با قانون دسترسی به عدالت ۱۹۹۹ می باشد. دادگاه جزا صلاحیت رسیدگی به جرایم دو

وجهی و جرایم قابل کیفرخواست را دارد، و تجدیدنظر خواهی از احکام این مرجع در صلاحیت دادگاه تجدیدنظر می باشد. مستند قانونی تجدیدنظر از احکام دادگاه جزا علاوه بر قوانین متفرعه مربوطه، قانون دادگاههای تجدیدنظر ۱۹۶۸، قانون تجدیدنظر کیفری ۱۹۹۵ و همچنین دادگاههای عالی ۱۹۸۱ (اصلاح شده با قانون دسترسی به عدالت ۱۹۹۹) می باشد (مهرا، ۱۳۸۷).

با این وصف در این تحقیق بر آنیم تا ضمن تبیین و تشریح رویکرد افتراقی قانونگذار ایرانی در زمینه تجدیدنظر احکام کیفری، قواعد و مقررات آن را در پرتو قوانین موضوعه مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم. در همین راستا، با عنایت به این که یکی از شیوه های سازنده و کارآمد جهت اصلاح و تکمیل قوانین و ساختار نظام قضایی هر کشوری مطالعه تطبیقی نظام های حقوقی سایر کشورها و بهره گیری از دستاوردها و نتایج تحقیقات آنها می باشد لذا در این پایان نامه سعی گردیده است. تا سیستم تجدیدنظر حقوق انگلیس مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد تا بدین وسیله، تا نسبت به تعیین و تبیین وجوه افتراق و تشابه شرایط و ضوابط حاکم بر فرآیند تجدیدنظر خواهی و آثار آن اقدام شود.

ج- پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیقات داخلی

- عبدلی (۱۳۹۳) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با موضوع «بررسی نحوه اعتراض به قرارها احکام کیفری در حقوق ایران» آورده است: «آیین دادرسی کیفری در هر کشوری تضمین کننده حقوق و آزادی های افراد در جامعه است. چنانچه قوانین آیین دادرسی کیفری در کشوری به خوبی تنظیم نشده باشد در آن جامعه شاهد نقض حقوق افراد ملت، خواهیم بود ولی ترقی قوانین آیین دادرسی کیفری و توجه به حقوق مسلم و ابتدایی افراد در جامعه باعث می گردد حقوق افراد جامعه پایمال نگردد تجدیدنظر و اعتراض به آراء قضایی محاکم دادگستری از مباحث مهم و عمده قوانین راجع به محاکمه و مجازات می باشد. راه های اعتراض و تجدیدنظر نسبت به آراء محاکم دادگستری به راه های عادی و عمومی و طریقه فوق العاده یا استثنایی تقسیم می گردند. طرق فوق العاده اعتراض به احکام کیفری نیز راه های قانونی و استثنایی هستند که بعد از قطعی شدن حکم میتوان دوباره به احکام جزایی رسیدگی نمود تا چنانچه اشتباهی در جریان دادرسی صورت گرفته باشد، مرتفع شود. این نوشتار در سه فصل تنظیم شده است فصل اول آن به بررسی مفاهیم و

کلیات بحث اختصاص دارد و به بررسی مفهوم تجدیدنظر و شناسایی احکام قطعی و اعتبار امر مختوم جزایی می‌پردازد و طرق عادی اعتراض به احکام کیفری نیز اختصاراً مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. فصول دیگر این تحقیق نیز به بررسی هریک از طرق فوق‌العاده اعتراض به احکام کیفری و شرایط و مباحث مربوط می‌پردازد و تجدید نظرخواهی عام، فرجام‌خواهی، اعتراض به احکام از طریق دادستان کل کشور و اعاده دادرسی و اعتراض ریاست قوه قضائیه نسبت به احکام خلاف بین شرع بعنوان راههای فوق‌العاده اعتراض به احکام کیفری مفصلاً مورد بحث قرار می‌گیرد.

- همت کار (۱۳۹۱) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «مقایسه جهات تجدیدنظرخواهی و جهات فرجام‌خواهی و جهات اعاده دادرسی در آیین دادرسی مدنی» بیان می‌دارند: «در مقایسه جهات تجدید نظر خواهی و فرجام خواهی و اعاده دادرسی با یکدیگر که موضوع این تحقیق است، دیدگاه مقنن در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. دامنه پژوهش به بررسی جهات مذکور از حیث شکلی و ماهوی در قلمرو تقنینی و قضایی اختصاص یافته و عملکرد محاکم و دیوان عالی کشور در به کارگیری جهات مذکور نیز مورد بررسی قرار گرفته است. هدف این رساله از بررسی تطبیقی جهات فوق‌الذکر تبیین وجوه تشابه و تمایز آنها و بیان موارد یکسانی و هم پوشانی آنها است. این تحقیق می‌تواند در جهت اصلاح رویه قضایی در کوتاه مدت و اصلاح مقررات توسط مقنن در درازمدت موثر واقع گردد. کاهش شدت معارضه نظام دادرسی فعلی با اعتبار امر قضاوت شده و فرض قطعیت آرای محاکم و همچنین کاهش اطاله دادرسی نیز از اهداف این مجموعه است. جهات تجدیدنظرخواهی، فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی به هدف تسهیل در احقاق حق، توسط مقنن مورد تجدید نظر قرار گرفته اند. اطلاق بعضی از جهات از جمله عبارت «مخالفت رأی با مقررات قانونی و موازین شرعی» که به عنوان یک جهت مشترک در تجدیدنظرخواهی و فرجام‌خواهی آمده است و مفهوم موسع خلاف بین شرع تشخیص داده شدن رأی به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی آن، مشخص می‌کند که جهات مورد مطالعه از حیث شکلی و ماهوی دارای وجوه تشابه و تفاوت‌هایی هستند. که از آن جمله میتوان به تمرکز جهات مورد مقایسه بر ادله اثبات دعوا و صلاحیت قاضی و دادگاه با لحاظ ماده ۱۸ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۵ (در مورد اعاده دادرسی)، به عنوان موارد مشابهت ماهوی و شکلی و نحوه و موقعیت اعمال جهات مذکور از این حیث که جهات فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی نسبت به آراء قطعی قاتلیت اعمال دارد ولی محل اعمال جهات تجدیدنظرخواهی

آراء غیر قطعی است و نیز اینکه مداخله اشخاص ثالث در اعاده دادرسی ممنوع است ولی در تجدیدنظرخواهی و فرجام خواهی بلامانع می باشد به عنوان موارد تمایز اشاره نمود. که به تبع مقایسه صورت گرفته پیشنهاداتی در جهت حذف برخی جهات یا اصلاح مواد قانونی متضمن جهات تجدیدنظر خواهی و فرجام خواهی و اعاده دادرسی ارائه شده است».

- سلیمی کوچی (۱۳۸۹) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با موضوع «نقش دادستان در اعتراض به احکام و قرارهای کیفری» معتقد است: «تیین و روش شناسی نقش دادستان عمومی و انقلاب در تجدیدنظر خواهی از آرای کیفری و اعتراض به قرارهای کیفری در نظام حقوقی ایران با توجه به جایگاه قانونی وی در فرایند دادرسی و بررسی مباحث مربوط به آن هدف این پایان نامه میباشد. در این پایان نامه از روش کتابخانه ای بهره جسته و با مراجعه به سایتها و کتابخانه های تخصصی حقوقی نگارش شده است. نتیجه های بدست آمده عبارتند از ضرورت تجدیدنظرخواهی دادستان به عنوان نهاد قضایی مدافع حقوق و آزادیهای مشروع آحاد جامعه با فراهم کردن بسترهای علمی قانونی و عملی آن از طریق ارتقای کمی و علمی مقامات قضایی و ساختار دادرسی و اصلاح قوانین موجود و با پیش بینی مقررات آئین دادرسی کیفری متناسب با اصول بنیادین حقوق جزایی و جایگاه قانونی دادستان در فرایند دادرسی کیفری».

- پورقهرمانی گل تپه (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان «تجدیدنظرخواهی در ماده ۱۸ قانون اصلاح تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب ۱۳۸۱» آورده است: «یکی از نوآوری های قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، تحولات مربوط به طرق فوق العاده تجدیدنظر در امور کیفری است. طرق فوق العاده تجدیدنظر در قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ را مواد (۲۳۵) تجدیدنظر عام، (۲۶۸) اعتراض از طریق دادستان کل کشور و (۲۷۲) اعاده دادرسی تشکیل می داد که اصلاحیه جدید، فقط ماده اخیرالذکر (اعاده دادرسی) را اجازه داده است (ماده ۱۸ ناظر به بند ۱۰) و بقیه مواد (۲۳۵) و (۲۶۸) را به صراحت در ماده (۳۹) اصلاحیه مذکور نسخ کرده است (۱) و ماده (۱۸) قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب که قبلاً نسخ شده بود (۱)، در اصلاحیه مذکور (البته با محتوایی دیگر) به قانون اضافه شده است. ماده (۱۸) قانون اصلاحی از نظر ماهوی هیچ شباهتی با ماده (۱۸) سابق ق.ت.د.ع.ا، ندارد. و همچنین طبق ماده (۱۸) اصلاحی قاعده اعتبار امر مختوم بیشتر دچار خدشه شده است. (با توجه به تبصره ۴) زیرا بعد از اعمال اعاده دادرسی، دو طریق برای نقض حکم قطعی وجود دارد. یکی ادعای خلاف بین قانون و شرع و درخواست تجدیدنظر از طریق شعبه تشخیص و

دیگری اعتراض رئیس قوه قضائیه از آراء و این در حالی است که در قانون سابق بعد از اعاده‌ی دادرسی فقط یک طریق تجدیدنظر نهایی وجود داشت. (ماده ۱۸ ق.ت.د.ع.ا و ماده ۲۳۶ ق.آ.د.ک) همچنین رسیدگی در شعبه تشخیص که یک مرجع عالی است به صورت ماهوی صورت می‌گیرد و کلیه‌ی احکام صادره قطعی (اعم از بدوی و تجدید نظر) از این طریق قابل تجدید نظر هستند. که به نظر می‌رسد خلاف شان دیوان عالی کشور (شعب تشخیص) است. همچنین ابهاماتی در خود ماده (۱۸) اصلاحی وجود دارد که باید در جهت رفع آن کوشید».

- بخنوه (۱۳۷۹) در رساله دکتری خود با عنوان «تجدیدنظر و فرجام در آرای کیفری (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، مصر و پاکستان)» در چکیده خود این گونه بیان می‌کند: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تفکر اسلامی کردن تمامی ارکان نظام، تفکری شایع بود، این تفکر در اصل چهارم قانون اساسی به عنوان یکی از اصول پایه‌ای، جلوه گر شد. در همین راستا ایجاد نظام قضائی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی، به عنوان یک هدف در قانون اساسی پیش بینی شده است و با این تفکر، شورای انقلاب، به عنوان اولین قانونگذار، تغییرات عمیقی را در قوانین شکلی و ماهوی، ایجاد کرد و پس از روی کار آمدن مجلس شورای اسلامی نیز، این روند ادامه پیدا کرد. متأسفانه در بعد تغییرات آئین دادرسی کیفری و بالخصوص، در زمینه تجدید نظر احکام، دگرگونیهای غیر اصولی و ژرفی به عمل آمد، این تغییرات به شیوه‌ای بود که مقنن مجبور می‌شد، متعاقب هر تغییر قانونی، قانون جدیدی را با محتوایی کاملاً مغایر، به تصویب برساند که این وضعیت اکنون نیز ادامه دارد، مطالعه نشان داده است که این تغییرات با تبعیت از اصولی شناخته شده و ثابت نبوده است، برای نمونه در این قوانین گاهی تجدید نظر خواهی را پیش بینی نشده بود و گاهی موارد تجدید نظر احکام به حدی تجویز می‌شد، که تصور مختومه شدن پرونده، غیر محتمل می‌گردید. راه حل کدام است؟ برای خارج شدن از وضعیت موجود، کشف و جستجوی بهترین اصول برای تدوین مقررات تجدید نظر آرای کیفری به شیوه مطالعه تطبیقی به عنوان بهترین راه حل، ضروری به نظر رسید. هم چنین بررسی اینکه آیا تغییر مقررات مربوط به تجدید نظر، طبق شرع مقدس بوده است؟ و بررسی شرائط قاضی در اسلام و امکان یا عدم امکان نقض حکم او مباحثی ضروری و کاربردی به نظر رسید، به همین لحاظ در این تحقیق علاوه بر مطالعه تطبیقی، تفاوت حاکم شرع مصطلح در فقه با قضات دادگستری، روشن گردیده و موضوع تجدید نظر و نقض حکم در فقه امامیه مورد بررسی و تحقیق شده است، از جمله نتایج حاصله این است که: تغییر قوانین متعدد در زمینه دادرسی

کیفری در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به علت برداشتهای نادرست از فهم اصول حاکم در فقه بوده است و تصویب قوانین متعدد خود موید این ادعا است دیگر اینکه فقه اسلامی نه تنها با شکایت از آراء، مخالف نیست بلکه راههای عرفی شکایت از آراء، همانند واخواهی، پژوهش، فرجام و اعاده دادرسی، کاملاً منطبق با فقه بوده و هیچگونه مغایرتی با شرع مقدس اسلام ندارد. با توجه به نتیجه مذکور، سعی شده است تا با استفاده از مطالعات انجام شده، اصول منطبق با اهداف شناخته شده آئین دادرسی کیفری برای تدوین مقررات مربوط به تجدید نظر خواهی، یاد آوری شود و پیشنهادات لازم در بهبود نحوه قانونگذاری، و اصلاح مقررات مربوط به تجدید نظر آرای کیفری در نظام قضائی کشور عرضه شود.

پیشینه تحقیقات خارجی

نوبلس (۲۰۰۹) در تحقیق به بررسی تاریخ تحول حقوق کیفری در نظام حقوقی انگلستان پرداخته بود و مشخص کرده بود که در نظام حقوقی انگلستان و در طی دوره های مختلف اصلاح قوانین، همواره نسبت به ابهام و نواقص در رابطه با تجدید نظر خواهی کاسته شده است. و تجدید نظر خواهی به لحاظ مواد قانونی و نیز به لحاظ عملی راهکارهای مشخص و ساده تری یافته است (به نقل از همت کار، ۱۳۹۱).

هامپتون (۲۰۰۰) در تحقیقی به بررسی نظام حقوقی نظر خواهی از آرای کیفری در کشورهای انگلستان، ایرلند، اسکاتلند، استرالیا، کانادا، نیوزلند) قوانین بسیار شبیه همی در رابطه با تجدید نظر خواهی از آرا کیفری داشته اند، هرچند در سالهای گذشته همگی آنها قوانین خود را به روز تر کرده اند، اما قوانین کانادا و استرالیا بیشتر از بقیه کشورها در این زمینه رشد و توسعه داشته است (به نقل از مهرا، ۱۳۸۷).

د- اهداف تحقیق

هدف اصلی

بررسی مقایسه ای شرایط و ضوابط حاکم بر تجدید نظر خواهی از آرای کیفری در ایران و انگلیس.

اهداف فرعی

- ۱- بررسی سیستم حقوق کیفری ایران و شرایط و ضوابط حاکم بر آن در زمینه تجدیدنظر.
- ۲- بررسی سیستم حقوق کیفری انگلستان و شرایط و ضوابط حاکم بر آن در زمینه تجدیدنظر.

ه- سوالات تحقیق

سوال اصلی

شرایط و ضوابط حاکم بر تجدیدنظرخواهی در قوانین کیفری ایران و انگلستان چگونه قابل مقایسه است؟

سوالات فرعی

- ۱- سیستم حقوق کیفری ایران و شرایط و ضوابط حاکم بر آن در زمینه تجدیدنظر چگونه است؟
- ۲- سیستم حقوق کیفری انگلستان و شرایط و ضوابط حاکم بر آن در زمینه تجدیدنظر چگونه است؟

و- فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی

تجدید نظرخواهی از آرای کیفری در ایران و انگلیس دارای شرایط و ضوابط مشابه و صریحی و بی-عیبی هستند.

فرضیه‌های فرعی

- ۱- سیستم حقوق کیفری ایران و شرایط و ضوابط حاکم بر آن در زمینه تجدیدنظر دارای ابهام‌های مشخصی است.

۲- سیستم حقوق کیفری انگلستان و شرایط و ضوابط حاکم بر آن در زمینه تجدیدنظر نسبت به حقوق ایران ابهام های کمتری دارد.

ز- روش شناسی تحقیق

روش تحقیق در این کار روش کتابخانه ای از نوع توصیفی و تحلیلی با ماهیت تطبیقی می باشد. به لحاظ ابزار گردآوری نیز؛ مراجعه به کتب مختلف و مقالات و مطالعه آنها، فیش برداری های لازم صورت گرفته و سپس مطالب ، نظرات و آرا مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

فصل اول

مبانی و مفاهیم تحقیق